روی موج کوتاه

سخنگوی جبهه اصلاحات:

هشتگ «محاکمه روحانی و ظریف» کار امثال رسایی و ثابتی است

سخنگوی جبهه اصلاحات با انتقاد از جریان‌های تندرو گفت: پشت پرده هشتگ «محاکمه روحانی و ظریف» کسانی مانند رسایی و ثابتی قرار دارند. اینکه چنین افرادی در حاشیه امن می‌توانند درباره مسائل حساس مردم سخن بگویند و جامعه را جریحه‌دار کنند، به این دلیل است که پشت پرده به دنبال التهاب‌آفرینی هستند تا جامعه را امنیتی کنند و با برخوردهای قهری، کنترل اوضاع را در دست بگیرند. در واقع هدف آن‌ها تکرار همان فاجعه آبان ۹۸ است. جواد امام، در گفت‌وگو با خبرنگار آوش در رابطه با حملات اخیر علیه حسن روحانی و محمدجواد ظریف گفت: بخش اعظمی از این حمله‌ها به‌دلیل افشاگری روحانی از مصائبی است که این افراد به کشور تحمیل کردند. متاسفانه این آقایان به‌جای پاسخگویی دوباره صدای آی دزد دزد شان بلند شده و این بر کسی پوشیده نیست. وی تأکید کرد: این برخوردها تسویه‌حساب نیست، بلکه تلاشی است برای حفظ قدرت. آن‌ها با تکیه بر نهادهای انتصابی در پی حذف رقیب هستند.

وزیر کشور:

برخی اختیارات دولت به استانداران واگذار شد

وزیر کشور از تصویب و واگذاری برخی اختیارات دولت به استانداران خبر داد و بر پیگیری واگذاری سایر اختیارات تعیین‌شده با اصلاح قانون تاکید کرد. اسکندر مومنی در گفت‌وگو با ایسنا در پاسخ به پرسشی درباره آخرین وضعیت واگذاری اختیارات به استانداران، اظهار کرد: اختیارات استانداران به سه دسته تقسیم شده است. در این مسیر برخی اختیارات که در اختیار هیأت دولت بود واگذار و تصویب شد و برخی که نیاز به اصلاح قانون دارد هم در حال پیگیری است.

قائم‌مقام حزب اتحاد ملت:

وزارت خارجه می‌خواهد کاپ اخلاق بگیرد، دنبال تحول آفرینی نیست

قائم مقام حزب اتحاد ملت گفت: وزارت خارجه در حساس‌ترین شرایط ظاهرا فقط می‌خواهد نمره انضباط بالا بگیرد، انگار می‌خواهد کاپ اخلاق بگیرد، دنبال این نیست که تحولی ایجاد کند. نورانی نژاد در گفت‌وگو با «انتخاب» اظهار کرد: دولت پزشکیان یک ایده مرکزی ندارد. دولت یک مغز سیاسی ندارد.

قالیباف:

وفاق لاپوشانی ضعف‌ها نیست

رئیس مجلس با اشاره به ورود بانک آینده به فرایند گزیر گفت: وفاق قوا به معنای لاپوشانی ضعف‌ها نیست، بلکه همراهی برای اتخاذ تصمیمات سخت است تا نفع ملی بر رقابت‌های جناحی مقدم شود. محمدباقر قالیباف، در شبکه ایکس نوشت: «وفاق یعنی همراهی قوا برای اتخاذ تصمیمات درست، اما پر چالش؛ تصمیماتی همچون ورود بانک آینده به فرایند گزیر...» وی ادامه داد: «وفاق به‌معنی لاپوشانی اشتباهات و ضعف‌ها نیست، خروجی واقعی و قابل دفاع وفاق میان قوا، همین است که این تصمیمات مهم با کمترین هزینه‌ی اجتماعی و اقتصادی، بدون مانع تراشی قوا برای یکدیگر و بدون سبقت گیری از هم برای تصاحب این نوع دستاوردها صورت می‌گیرد تا در عمل و میدان واقعیت، نفع ملی تحقق یابد. امر ملی باید در هر شرایطی بر امر جناحی مقدم شود.»

ریابکوف:

روسیه شانه به شانه در کنار ایران ایستاده است

معاون وزیر امور خارجه روسیه با تأکید بر اینکه مسکو قلدری و زورگویی برخی کشورها در جهان درباره برنامه هسته‌ای ایران را به شدت محکوم می‌کند، گفت: روسیه دست در دست و شانه به شانه در کنار ایران ایستاده است. سرگئی ریابکوف روز دوشنبه در پاسخ به پرسش خبرنگار ایرنا در حاشیه آیین امضای موافقت‌نامه همکاری پارلمان‌های شهری کشورهای عضو بریکس در مسکو درباره آخرین تحولات در مناسبات تهران و مسکو افزود: روسیه و ایران طی سال‌ها همکاری بسیار عمیق، بسیار عملی و در عین حال بسیار چندوجهی را توسعه داده‌اند و معتقدم که هیچ بی‌اعتمادی بین کشورهای ما وجود ندارد. وی خاطرنشان کرد: امیدوارم افرادی که از دوره بسیار دشوار و چالش برانگیزی را که هر دو کشور مادر حال گذر از آن هستند، مطلع هستند، به همان اندازه درک کنند که ایران و روسیه باید حتی نزدیک‌تر به یکدیگر بایستند.

سخنگوی کمیسیون امنیت ملی:

ایران تقاضایی برای خرید اس ۴۰۰ از روسیه نداشته است

سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس با اشاره به جلسه این کمیسیون با سفیر ایران در روسیه گفت: سفیر ایران در روسیه گفت که جمهوری اسلامی ایران تقاضایی برای خرید اس ۴۰۰ از روسیه نداشته است. به گزارش ایلنا، ابراهیم رضایی به نقل از کاظم جلالی، افزود: اکنون روابط ایران و روسیه در سطح بسیار خوبی است. رئیس جمهور هم در توسعه روابط با روسیه جدی است و شخصا برخی از موارد را پیگیری می‌کند. به گفته وی، جلالی به این موضوع اشاره داشت که روس‌ها نگفته‌اند جمهوری اسلامی ایران به دنبال غنی‌سازی صفر باشد و در واقع موضع روسیه غنی سازی صفر ایران نبوده و نیست و از مواضع جمهوری اسلامی ایران در موضوع هسته‌ای حمایت کرده‌اند.

طباطبایی:

مردم تندروها را دوست ندارند

معاون ارتباطات و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس‌جمهور نوشت: مردم تندروها را دوست نمی‌دارند، دکتر پزشکیان سمت مردم ایستاده است. مهدی طباطبایی، در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: ۱۰ روز پیش در جلسه هیأت دولت رئیس جمهوری با ابراز نگرانی از قطب‌بندی‌های کاذب تصریح کرد من مسائل خارجی را حل می‌کنم، اما نگران اختلافات داخلی هستم؛ مجادلات بی‌فایده یکی دو روز اخیر عمق این سخنان را معنا کرد. مردم تندروها را دوست نمی‌دارند، دکتر پزشکیان سمت مردم ایستاده است.

آذری جهرمی:

ستاد قالیباف آمارسازی می‌کرد

وزیر ارتباطات دولت روحانی، درباره انتخابات ۱۴۰۳ و آمارسازی ستاد قالیباف گفت: ستاد قالیباف در انتخابات ۱۴۰۳ نظرسنجی‌های نادرست به او ارائه می‌کرد. به گزارش اصلاحات نیوز، محمدجواد آذری جهرمی افزود: قالیباف روزبه‌روز افت می‌کرد اما ستادش واقعیت را پنهان می‌کرد.

نقدی بر نامه لاریجانی به رسانه‌ها در روز دوقطبی‌سازی تندنمایندگان در بهارستان:

توصیه به انسجام در میانهٔ آشوب!

نهال فرخی

دست‌نوشته علی لاریجانی خطاب به رسانه‌ها، در روزی که مجلس علیه دولت و دیپلماسی دولت‌های پیشین و دستکم یک رئیس‌جمهور و یک وزیر خارجه اسبق می‌تاخت، خود نشانه تصویری از بحران مزمن سیاست و رسانه در ایران است.

تصور کنید در روزی که صحن علنی مجلس شورای اسلامی به صحنه فریاد و حمله علیه حسن روحانی، رئیس‌جمهور پیشین ایران و دستگاه دیپلماسی بدل شد، نامه‌ای با دست‌خط علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی، خطاب به رسانه‌ها منتشر شد. نامه‌ای با متنی کوتاه، اما معنادار مبنی بر اینکه: «برای دفع خطرات از کشور سرافراز ایران دو نکته مهم است؛ یکی تقویت نیروهای مسلح و مهم‌تر، حفظ انسجام ملی و سد کردن راه گسترش دوقطبی‌های کاذب تا مسیر توسعه ملی فراهم گردد؛ پیگیری و کمک درباره این موضوع با شما اهالی معزز رسانه‌ها.»

در ظاهر، این جمله‌ها دعوتی است به وحدت و پرهیز از دوقطبی‌سازی. اما در واقعیتِ ایران امروز، که نهادها در بلاتکلیفی‌اند و رسانه‌ها زیر فشار، چنین نامه‌ای بیش از آن که راه‌حل باشد، بازتابی از بحران سیاسی و رسانه‌ای است.

پرسش ساده اما مهم این است: وقتی انسجام ملی در نهادهای قدرت خود ناپدید شده، چگونه از رسانه‌ها انتظار می‌رود آن را پاس بدارند؟

روزی عجیب برای سیاست ایران

انتشار نامه لاریجانی دقیقاً در روزی صورت گرفت که محمدباقر قالیباف و جمعی از نمایندگان مجلس در صحن علنی به دو چهره اصلی سیاست خارجی دهه گذشته، حسن روحانی و محمدجواد ظریف، حمله کردند. اتهام‌زنی‌ها و شعارهای تند، بازتابی از همان چیزی بود که لاریجانی «گسترش دوقطبی‌های کاذب» نامیده است، اما تناقض در این‌جاست که منشأ دوقطبی‌ها نه رسانه‌ها که خودِ نهادهای رسمی و جریان‌های قدرت‌اند؛

وقتی نمایندگان یک نهاد ملی و رسمی کشور در صحن بهارستان راه می‌روند و علیه یکی از شخصیت‌های سیاسی ایران که ۸ سال رئیس دولت بوده، شعار می‌دهند و همزمان رئیس مجلس به بهانه نزدیکی با روسیه، به محمدجواد ظریف می‌تازد؛ عجیب نیست که بسیاری از خود بپرسند آیا نامه نباید خطاب به گروه‌ها و دسته‌های سیاسی کشور منتشر می‌شد؟

البته که بهارستان‌نشینان ابدا برای تخریب وفاق نیز دست از تلاش برنمی‌دارند و در همان روز انتشار نامه علی لاریجانی، وزیر کار دولت مسعود پزشکیان نیز به مجلس احضار شد؛ نشانه‌ای از آن که تندروهای مجلس همچنان بر مدار تقابل می‌چرخند و آرامش سیاسی برای دولت تازه کارِ پزشکیان در دسترس نیست.

در این میان اما علی لاریجانی؛ دیپلمات کهنه‌کار و سیاست‌مداری که سال‌ها در رده‌های بالای نظام حضور داشته از «انسجام ملی» سخن می‌گوید؛ مفهومی که شاید بیش از همه باید خطاب به همان نمایندگان مجلس و جریان‌های سیاسیِ افراطی باشد، نه به رسانه‌هایی که نفس نقدشان را هم «دوقطبی‌سازی» می‌خوانند.

نامه‌ای از دل نهاد امنیت یا دعوتی برای سکوت؟

در متن لاریجانی، دو محور دیده می‌شود: «تقویت نیروهای مسلح» و «حفظ انسجام ملی». تقدم اول بر دوم نیز معنایی روشن دارد؛ امنیت، پیش از جامعه قرار گرفته است.

این نگاه اما ریشه در تفکر امنیتی حاکم بر سیاست ایران دارد؛ جایی که هر مساله اجتماعی، نهایتاً در چتر امنیتی تحلیل می‌شود. اما مشکل آن‌جاست که وقتی رسانه‌ها به جای ناظر، به بازوی نهادهای امنیتی بدل شوند، مفهوم انسجام به‌جای وحدت داوطلبانه، به انضباط تحمیلی تبدیل می‌شود.

نامه لاریجانی در چنین فضایی هم می‌تواند دعوت به عقلانیت تلقی شود و هم درخواست برای سکوت؛ و این دو معنا در جامعه‌ای شبیه ایران، از هم جدا نمی‌شوند. چرا که هر توصیه‌ای به «پرهیز از دوقطبی‌سازی» در شرایط انسداد رسانه‌ای، به‌طور ناگزیر رنگ سانسور به خود می‌گیرد.

> **بگوییم اگر قرار است رسانه‌ها پاسدار انسجام ملی باشند، نخست باید خود حاکمیت از دوقطبی‌های واقعی دست بکشد و گرنه هر نامه‌ای، هر چند با خطی خوش نوشته شود، در بایگانی تاریخ سیاست ایران، به عنوان سندی از «انسجام در میانه آشوب» باقی خواهد ماند**

سیاستِ بی‌حزب و رسانه‌های حزبی

در ایران اما به دلیل محدودیت آزادی‌های سیاسی، احزاب عملاً نقش مؤثر خود را از دست داده‌اند. آن چه در بسیاری از کشورها کارکرد حزب را دارد، در ایران بر دوش رسانه‌ها افتاده است.

به این ترتیب است که رسانه‌های نزدیک به هر گرایش سیاسی، چهره عمومی همان جریان به شمار می‌روند؛ روزنامه، تریبون حزب است و سایت خبری، دفتر سیاسی آن.

از مشروطه تا امروز همواره در پهنه سیاسی ایران، رابطه‌ای دوسویه میان سیاست و رسانه برقرار بوده، اما در دهه‌های اخیر و با گسترش رسانه‌های دیجیتال، این رابطه ماهیتی تازه پیدا کرده است؛ دیگر احزاب صاحب رسانه نیستند، بلکه رسانه‌ها صاحب سیاست شده‌اند.

رسانه‌های قدرتمند امروز در ایران، بازتاب نفوذ سیاسی صاحبانشان‌اند و هر جناحی که پشتوانه مالی و ارتباط نهادی بیشتری دارد، میدان رسانه را در اختیار می‌گیرد و با تولید جریان خبری و تحلیلی، بر افکار عمومی اثر می‌گذارد.

در چنین وضعی، شاید سخن لاریجانی از «سد کردن دوقطبی‌های کاذب» مخاطبانی خاص پیدا می‌کند، رسانه‌هایی که خود بخشی از بازی قدرت‌اند. اما تضاد این‌جاست که رسانه‌هایی که نزدیک به نهادهای رسمی‌اند، آزادانه هر حمله و اتهامی را منتشر می‌کنند، در حالی که رسانه‌های مستقل یا منتقد، به سرعت به دوقطبی‌سازی و «تخریب وحدت ملی» متهم می‌شوند.

نتیجه این وارونگی، بی‌اعتمادی عمومی به روایت رسمی است. جامعه‌ای که می‌بیند رسانه‌های وابسته از خطوط قرمز مصون‌اند، اما مطبوعات مستقل به جرم تحلیل، توقیف می‌شوند، دیگر به هیچ «انسجامی» باور ندارد.

وقتی نهادها خود دچار دوقطبی‌اند

نامه دبیر شورای عالی امنیت ملی نیز اکنون در شرایطی منتشر شد که نظام تصمیم‌گیری کشور بیش از هر زمان دیگری دچار چندگانگی است. از مجلس تا دولت، از شورای نگهبان تا دستگاه دیپلماسی، هر نهاد راه خود را می‌رود و هر کدام دیگری را مقصر می‌داند.

در سیاست خارجی، تضاد میان جریان‌های موسوم به «مقاومت‌محور» و «تعامل‌گرا» آشکار است و حملات قالیباف و نمایندگان تندرو به روحانی و ظریف نه از سر اختلاف سلیقه، که نشانه شکاف عمیق در دکترین سیاست خارجی نظام است. از نگاه تندروها، مذاکره و دیپلماسی به معنای عقب‌نشینی است و از دید دیپلمات‌های عمل‌گرا، تقابل دائمی به‌معنای بن‌بست.

این دو نگاه در سال‌های اخیر به موازات هم پیش رفته‌اند و عملاً هیچ نهاد بالادستی نتوانسته میان‌شان آشتی برقرار کند. لاریجانی نیز در مقام دبیر شورای عالی امنیت ملی، به‌ظاهر می‌کوشد از بالا پیام وحدت بفرستد، اما همان شورا نیز سال‌هاست از مرز تصمیم‌سازی به سطح هماهنگی صوری تنزل یافته است. در واقع، وقتی ساختارهای حاکمیتی خود از انسجام تهی‌اند، توصیه به رسانه‌ها برای حفظ وحدت، بیشتر شبیه شوخی سیاسی به‌نظر می‌رسد.

> **در کشوری که نهادها هر یک ساز خود را می‌زنند، رسانه‌ها قربانی تعریف‌های دوگانه از «آزادی» و «امنیت» می‌شوند و مجلس تریبونی برای حمله به دولت و دیپلماسی است؛ سخن گفتن از انسجام، بیشتر شبیه شوخی تلخ است. انسجام، محصول اراده سیاسی برای گفت‌وگوست، نه توصیه‌ای در قالب نامه**

وارونگی مفاهیم؛ انسجام یا حذف؟

مشکل اصلی در این نوع ادبیات رسمی، ابهام در مفاهیم است. «انسجام ملی» دقیقاً به چه معناست؟ وحدت رأی؟ یا پذیرش تنوع در عین همکاری؟ اگر انسجام یعنی حذف صداهای متفاوت، آن دیگر انسجام نیست؛ انحصار است و اگر «دوقطبی کاذب» به‌معنای هر گونه اختلاف‌نظر سیاسی است، پس اساساً سیاست بی‌معنا می‌شود. چنان که در جامعه‌ای که هر نقدی می‌تواند «فتنه رسانه‌ای» تلقی شود، خط میان انسجام و سانسور بسیار باریک است.

لاریجانی، که خود سال‌ها در رأس نهادهای قدرت در کشور بوده، بهتر از هر کسی می‌داند که ریشه دوقطبی‌های امروز نه در رسانه‌ها، بلکه در فقدان گفت‌وگو در درون حاکمیت است.

اما شاید ترجیح داده است از بیرون ساختار، نسخه‌ای صادر کند که هزینه‌ای برایش نداشته باشد. پرسش این‌جاست اگر او در دوران ریاستش بر مجلس یا در مسئولیت‌های پیشین چنین نگاهی داشت، آیا امروز جامعه در همین نقطه بحران بود؟

دعوت به انسجام از نهادِ بی‌انسجام

از منظر تحلیلی نیز اما این نامه بیش از آن که یک توصیه باشد، نشانه‌ای است از تلاش لاریجانی برای بازسازی چهره‌اش به‌عنوان سیاستمداری میانه‌رو و عقل‌گرا.

او که پس از سال‌ها دوری از قدرت اجرایی، حالا دبیر شورای عالی امنیت ملی شده، می‌کوشد جایگاه خود را در ساختار جدید قدرت تثبیت کند. اما در واقعیت، شورای عالی امنیت ملیِ امروز نه قدرت تصمیم‌گیری مستقل دارد، نه وزن سیاسی گذشته را.

در فضای پساجنگ و پسابحران، تصمیم‌ها در سطوح دیگر گرفته می‌شوند و شورا بیشتر کارکردی هماهنگ‌کننده دارد تا سیاست‌گذار.

از این منظر، نامه لاریجانی را باید نه دستورالعملی اجرایی، بلکه پیامی نمادین دانست؛ تلاشی برای بازگرداندن گفتار «عقلانیت» به گفتمان رسمی. اما مشکل آن است که این پیام در خلأ فرستاده شده؛ در حالی که گفت‌وگو از بالا دیگر کار نمی‌کند، پس جامعه‌ای که رسانه‌هایش در تنگنا باشند و نهادهایش درگیر نزاع، دیگر با توصیه آرام نمی‌گیرد.

دموکراسی با فرمان امنیتی ممکن نمی‌شود

ایران کشوری است متکثر از قومیت‌ها و مذاهب گوناگون تا تنوع فرهنگی و زبانی و در چنین سرزمینی، دکترین امنیت ملی تنها زمانی پایدار است که بر پایه دموکراسی و مشارکت عمومی بنا شود.

امنیت واقعی از دل گفت‌وگو می‌جوشد، نه از مسیر سکوت و اگر قرار است انسجامی شکل بگیرد، باید بر پایه اعتماد متقابل میان حاکمیت و جامعه باشد، نه بر اساس دستور از بالا.

لاریجانی در نامه‌اش از رسانه‌ها خواسته «برای انسجام ملی کمک کنند» اما رسانه‌ها زمانی می‌توانند چنین نقشی ایفا کنند که خود در امنیت باشند؛ وقتی روزنامه‌نگار از ترس توقیف یا احضار نمی‌نویسد، نمی‌تواند به انسجام ملی کمک کند. وقتی رسانه‌های مستقل با انبوه پرونده قضایی مواجه‌اند و بودجه‌های کلان به رسانه‌های وابسته سرازیر می‌شود، نتیجه‌اش انسجام نیست، بلکه انحصار رسانه‌ای است.

انسجام تحمیلی یا گفت‌وگوی ملی؟

نامه لاریجانی می‌توانست نقطه آغازی باشد برای گفت‌وگو میان نهادهای سیاسی و رسانه‌ای اما شرطش پذیرش واقعیت‌هاست. تا زمانی که نهادهای قدرت از نقدگریزان‌اند و مسئولیت تصمیم‌هایشان را نمی‌پذیرند، سخن از انسجام معنایی ندارد؛ چرا که انسجام واقعی و موردنظر در نامه علی لاریجانی نیز از مسیر شفافیت و پاسخ‌گویی می‌گذرد، نه از فرمان و توصیه.

در کشورهایی که بحران‌های سیاسی را پشت سر گذاشته‌اند، تجربه نشان داده که انسجام ملی تنها زمانی شکل گرفته که رسانه‌ها آزاد بوده‌اند تا واقعیت را بازتاب دهند. در ایران اما مسیر برعکس طی می‌شود: هر گاه بحران بالا می‌گیرد، نخستین واکنش، محدود کردن رسانه‌هاست و همین تناقض، چرخه بحران را تکرار می‌کند.

پایانِ وارونگی و شاید آغاز یک مسیر تازه

نامه علی لاریجانی شاید در ظاهر آرام و مؤدب باشد، اما در باطن آینه‌ای است از آشفتگی سیاست ایرانی.

در کشوری که نهادها هر یک ساز خود را می‌زنند، رسانه‌ها قربانی تعریف‌های دوگانه از «آزادی» و «امنیت» می‌شوند و مجلس تریبونی برای حمله به دولت و دیپلماسی است؛ سخن گفتن از انسجام، بیشتر شبیه شوخی تلخ است. انسجام، محصول اراده سیاسی برای گفت‌وگوست، نه توصیه‌ای در قالب نامه.

چنان که همزمانی نامه لاریجانی با اظهار نظر قالیباف و چند تن از نمایندگان مجلس علیه رئیس‌جمهور پیشین ایران حسن روحانی و هم‌چنین محمدجواد ظریف از یک تریبون ملی و آن هم به خاطر منافع کشور روسیه، که انعکاس وسیع رسانه‌ای داخل و خارج داشت نمایشگر هر چه بیشتر انشقاق در تدابیر دیپلماتیک از یک سو و تنگ‌نظری‌های حکومتی در نظریه‌پردازی حوزه سیاست خارجی از سوی دیگر محسوب می‌شود.

در نهایت، شاید بهتر باشد این گونه بگوییم اگر قرار است رسانه‌ها پاسدار انسجام ملی باشند، نخست باید خودِ حاکمیت از دوقطبی‌های واقعی دست بکشد و گرنه هر نامه‌ای، هر چند با خطی خوش نوشته شود، در بایگانی تاریخ سیاست ایران، به عنوان سندی از «انسجام در میانه آشوب» باقی خواهد ماند.

> **همزمانی نامه لاریجانی با اظهار نظر قالیباف و چند تن از نمایندگان مجلس علیه حسن روحانی و محمدجواد ظریف و آن هم به دلیل منافع روسیه، نمایشگر انشقاق در تدابیر دیپلماتیک از یک سو و تنگ‌نظری‌ها در نظریه پردازی حوزه سیاست خارجی از سوی دیگر محسوب می‌شود**

گفت و گو

واعظی:

تندروها با «پوپولیسم گفتاری» در پی حذف روحانی هستند

رئیس دفتر رئیس‌جمهور در دولت دوازدهم گفت: متأسفانه، برخی جریان‌های سیاسی، به‌ویژه از طیف تندرو اصولگرا و جبهه پایداری، در تلاش‌اند با تحریف سخنان آقای روحانی و ساخت دوگانه‌های کاذب، نوعی «قطبی‌سازی تصنعی» در جامعه ایجاد کنند. از منظر جامعه‌شناسی سیاسی، این نوع رفتار، یکی از مصادیق «پوپولیسم گفتاری» است؛ یعنی تبدیل تفاوت دیدگاه‌ها به تعارض وجودی میان گروه‌ها. این پدیده مخرب در دولت‌های یازدهم و دوازدهم، تجربه شده است.

محمود واعظی، در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا، در واکنش به اظهارات اخیر در مجلس شورای اسلامی علیه حجت‌الاسلام حسن روحانی، اظهار داشت: نخست باید به این نکته حائز اهمیت اشاره کنم که آقای روحانی اخیرا موضع منفی درباره فدراسیون روسیه نداشته است. برعکس، ایشان همواره بر این باور بوده‌اند که به‌شکل پایدار به‌ویژه در شرایط حساس کنونی، خصوصاً در فضای بین‌المللی متأثر از مکانیزم «اسنپ‌بک»، ضروری است جمهوری اسلامی ایران روابط خود را با کشورهای دوست از جمله روسیه، چین و همسایگان بر مبنای عقلانیت، احترام متقابل و منافع مشترک راهبردی تعمیق بخشد.

روحانی اخیرا هیچ موضع منفی درباره روسیه نداشته است

معاون اسبق سیاسی وزارت امور خارجه افزود: سیاست خارجی دولت‌های یازدهم و دوازدهم هم بر پایه «اصل موازنه هوشمند» و نظریه «تعامل سازنده» استوار بود. هدف از این سیاست، پرهیز از دوگانه‌سازی‌های کاذب میان شرق و غرب و تمرکز بر افزایش قدرت ملی از رهگذر تعامل هم‌زمان با همه کشورها بر اساس منافع ملی است.

وی ادامه داد: بنابراین، نمی‌دانم منشأ این برداشت نادرست از کجاست و چه کسی چنین ادعایی را مطرح کرده است. اگر فردی عادی چنین سخنی می‌گفت، شاید قابل اغماض بود، اما هنگامی که در مجلس شورای اسلامی این موضوع را پشت تریبون رسمی بیان می‌کنند، لازم است دقیقاً مشخص شود که به کدام بخش از سخنان آقای روحانی اشاره دارند.

قائم مقام حزب اعتدال و توسعه ادامه داد: در فضای سیاسی امروز، هر گونه انتساب نادرست به شخصیت‌های ملی، نه تنها اخلاقی نیست بلکه از منظر امنیت روانی جامعه نیز آسیب‌زاست؛ چرا که بی‌اعتمادی عمومی را نسبت به گفتار رسمی مسئولان افزایش می‌دهد.

تلاش جبهه پایداری برای «قطبی‌سازی تصنعی» در جامعه

عضو کابینه دولت‌های یازدهم و دوازدهم تصریح کرد: آقای روحانی در جلسه‌ای با استانداران کشور، حدود دو هفته پیش، با صراحت اعلام کردند که در دوران دولت‌های ایشان، سطح روابط جمهوری اسلامی ایران با شرق، به‌ویژه روسیه و چین، گسترش یافته است. این روابط صرفاً دیپلماتیک نبود، بلکه در حوزه‌های اقتصادی، فناوری، دفاعی، و زیرساختی نیز عمق پیدا کرد. دکتر روحانی معتقد بودند که سیاست خارجی باید تابع عقلانیت و منافع ملی باشد، نه اسیر شعار یا احساسات لحظه‌ای.

وزیر اسبق ارتباطات خاطرنشان کرد: همواره منافع ملی اقتضا می‌کند که با شرق تعامل هوشمندانه و مستمر و با غرب گفت‌وگو بر مبنای عزت و احترام داشته باشیم. این نگاه، در واقع تبلور همان سیاستی است که دولت تدبیر و امید دنبال می‌کرد؛ متوازن، چندجانبه و بر محور منافع پایدار ایران.

واعظی در بخش دیگری از سخنان خود گفت: متأسفانه، برخی جریان‌های سیاسی، به‌ویژه از طیف تندرو اصولگرا و جبهه پایداری، در تلاش‌اند با تحریف سخنان و ساخت دوگانه‌های کاذب، نوعی «قطبی‌سازی تصنعی» در جامعه ایجاد کنند. از منظر جامعه‌شناسی سیاسی، این نوع رفتار، یکی از مصادیق «پوپولیسم گفتاری» است؛ یعنی تبدیل تفاوت دیدگاه‌ها به تعارض وجودی میان گروه‌ها. این پدیده مخرب در دولت‌های یازدهم و دوازدهم، تجربه شده است.

مردم، صاحبان حقیقی کشورند و باید از مسائل مهم و تصمیمات کلان مطلع باشند

رییس دفتر سیاسی حزب اعتدال و توسعه افزود: در حقیقت، آنچه همواره موجب نارضایتی و افزایش رقابت سیاسی این گروه‌ها واقع می‌شود، صراحت و شفافیت آقای روحانی در گفت‌وگو با مردم است؛ از این رو همواره در تلاش‌اند تا از طریق قطبی‌سازی تصنعی و فشارهای نامستحسن و ایجاد محدودیت در کنشگری وی ارتباط ایشان با مردم را کمرنگ کنند.

واعظی عنوان کرد: مردم، صاحبان حقیقی کشورند و باید از مسائل مهم و تصمیمات کلان مطلع باشند. سرمایه اجتماعی، اعتماد عمومی و حمایت مردم در مواجهه با بحران‌ها، مهم‌ترین پشتوانه نظام اسلامی است.

شفافیت برای کسانی که به پنهان‌کاری و تصمیم‌سازی در خفا عادت دارند، خوشایند نیست

وی افزود: از منظر سیاسی، این شفافیت همان متغیری است که در ادبیات حکمرانی مدرن، به‌عنوان حکمرانی پاسخگو و شفاف، میان قدرت و مسئولیت پیوند برقرار می‌نماید. طبیعی است که این شفافیت برای کسانی که به پنهان‌کاری و تصمیم‌سازی در خفا عادت دارند و منافع‌اشان در این عرصه غیرشفاف و خاکستری تامین می‌شود، خوشایند نباشد.

گفت و گو

فرجی راد:

نطق قالیباف علیه روحانی و ظریف، پیام نظام به روسیه بود

دیپلمات سابق، گفت: «آقای روحانی رئیس‌جمهور سابق و آقای ظریف وزیر خارجه کشور بوده‌اند و اظهارات آنان در سطح بین‌المللی بازتاب دارد. نظام در شرایط کنونی نمی‌خواهد شبهه‌ای درباره اتحاد با روسیه ایجاد شود؛ بنابراین موضع قالیباف علیه روحانی و ظریف نه از سر بداهه‌گویی شخصی، بلکه با هماهنگی نهادهای حاکمیتی بوده است.»

به گفته عبدالرضا فرجی‌راد در گفت‌وگو با رویداد ۲۴، متن قرائت‌شده از سوی قالیباف «پیامی هماهنگ‌شده» برای اطمینان دادن به روسیه و چین بوده است تا نشان دهد جمهوری اسلامی همچنان متحد راهبردی آن‌هاست و سخنان مقامات سابق موضع رسمی کشور محسوب نمی‌شود. او افزود: «در شرایط کنونی که روسیه و سپس چین در شورای امنیت و همچنین در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تلاش کرده‌اند اقدامات ضدایرانی غرب را غیرقانونی جلوه دهند، نظام مایل است شبهه‌ای نسبت به اتحاد ایران با روسیه ایجاد نشود.»

این تحلیلگر معتقد است: «متنی که قالیباف قرائت کرد، یک پیام هماهنگ‌شده بود تا به روسیه و چین اطمینان داده شود که جمهوری اسلامی ایران همچنان متحد راهبردی آنان است و اظهارات برخی مقامات سابق را نباید موضع رسمی کشور تلقی کرد. هدف این پیام، حفظ وحدت ملی در شرایط حساس کنونی و جلوگیری از ارسال سیگنال‌های متناقض به شرکای شرقی است.»

فرجی‌راد درباره اثر واقعی بیانیه مشترک چین و روسیه و عدم همراهی آنان با سازوکار بازگشت تحریم‌ها (اسنپ‌بک) بر رفع تحریم‌ها، گفت: «هر چند روابط تجاری ایران با روسیه گسترده نیست، اما نقش روسیه در حوزه‌های تسلیحاتی و نفتی حائز اهمیت است. چین، اما به عنوان خریدار اصلی نفت ایران، بازیگر کلیدی در این معادله محسوب می‌شود.»

این دیپلمات سابق با اشاره به اهمیت ادامه همکاری‌های چین و روسیه با ایران گفت: «تا این لحظه مشاهده نشده که چین خرید نفت از ایران را متوقف کند یا روسیه روابط محدود تجاری خود را متوقف کرده باشد. این تداوم همکاری‌ها، ولو در سطح محدود، پیام مهمی به سایر کشورها می‌دهد؛ پیامی مبنی بر اینکه می‌توان در برابر فشارهای آمریکا و اروپا مقاومت کرد و همکاری با ایران را ادامه داد.»

او معتقد است «امروز بسیاری از دولت‌های عضو جنبش عدم تعهد و سایر کشورها با دقت در حال رصد نتیجه تلاش چین و روسیه هستند و اگر حتی در سطح نسبی، موفقیت حاصل شود، می‌تواند موجب تضعیف عملی تحریم‌ها باشد.»